

اسرار پرسشگری

دکتر عذرا بیگم هژبری

مدرس دانشگاه، مدیر مدرسه‌ی ابتدایی

دخترانه‌ی مهرگان بابل

سیدعلی عبداللهی حسینی، سفیر نوآوری

آموزش و مربی کوچ

درس در ذهن‌ها شکل گرفته است که کیفیت یادگیری را زیر سؤال می‌برد. وقتی با تعمق و تدبر بیشتر به این مهم پرداخته شود، بی‌شک می‌توان به چند عامل اشاره کرد که چرا چنین باورهایی ظهور پیدا کرده‌اند؛ مثلاً یک عامل می‌تواند روش‌های آموزشی و تربیتی گذشته باشد که طی سال‌های متمادی متمرکز بر حفظ و تکرار بوده است. به همین دلیل، برخی

پرسشگری در کلاس درس یکی از مهم‌ترین روش‌های یادگیری فعالانه است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از طریق پرسیدن سؤال و گرفتن جواب، مفاهیم و مطالب درسی را بهتر بفهمند و یادداشت کنند. این روش یادگیری در طول تاریخ نیز مطرح بوده است و حتی داستان‌های متعددی نیز برای آن نقل کرده‌اند. یکی از داستان‌های معروف در این زمینه، داستان «سوکراتس^۱ و حلقه‌ی سخنرانی^۲» است. در این داستان، سوکراتس به دانشجویانش می‌گوید که برای داشتن دانش بهتر، باید به‌طور مداوم سؤالاتی را که از دیگران می‌شنوند، به چالش بکشند و به دنبال پاسخ‌هایی باشند که تضمینی برای درستی آن‌ها ندارند.

این روش، اعتراضی به روش‌های یادگیری غیرفعال^۳ است که در آن دانشجویان فقط به درس‌های استاد گوش می‌دهند و سؤالی نمی‌پرسند. سوکراتس به دانشجویانش می‌گوید که باید خودشان به دنبال پاسخ باشند و به‌شکلی خلاقانه و بی‌پایان، در پی حقیقت و عدالت بگردند.

این داستان‌ها نشان می‌دهند که از طریق پرسش‌های خلاقانه و بی‌پایان، می‌توان به دانش و فهم بهتری از موضوعات درسی دست پیدا کرد.

درست در نقطه‌ی مقابل این قبیل داستان‌ها که به وجه مثبت پرسشگری و تأکید بر استفاده از آن در فرایند یادگیری دارد، باورهای دیگری، اما این بار با وجهی منفی آن، مرتبط با پرسشگری در کلاس



است؛ اما واقعیت این است که هدف از پرسشگری بیان پاسخ درست یا غلط نیست؛ بلکه هدف از پرسشگری این است که دانش‌آموزان را به تفکر و تحلیل مسئله تشویق کند و آن‌ها را به دانستن بیشتر موضوعات و یادگیری عمیق‌تر و بهتر کمک کند.

۲. پرسشگری مساوی است با سؤال پیچ کردن دانش‌آموزان: برخی معلمان باور دارند که پرسشگری به معنای سؤال پیچ کردن دانش‌آموزان است، اما این درست نیست. پرسشگری به معنای ایجاد فضایی برای تعامل و تفکر دانش‌آموزان است و معلمان می‌توانند با پرسیدن سؤالاتی که محتوای درسی را تأیید می‌کنند، باعث ارتقای سطح یادگیری دانش‌آموزان شوند.

۳. پرسشگری مساوی است با تعلیق کلاس: برخی معلمان ممکن است باور داشته باشند که استفاده از پرسشگری می‌تواند به تعلیق کلاس منجر شود؛ اما این باوری نادرست است. استفاده از پرسشگری می‌تواند به ایجاد فضایی برای تعامل و تحلیل مسائل کمک و دانش‌آموزان را به یادگیری فعال و عمیق‌تر تشویق کند.

۴. پرسشگری مساوی است با ازدیاد کار برای دانش‌آموزان: برخی معلمان ممکن است باور داشته باشند که پرسشگری فقط کار دانش‌آموزان را زیاد می‌کند و کمکی به آن‌ها در یادگیری نمی‌کند؛ اما حقیقت این است که پرسشگری می‌تواند منجر به پرورش روحیه جست‌وجوگری، تحلیل، تفکر نقادی و... شود.

۵. پرسشگری مساوی است با وقفه در فرایند یادگیری: یکی دیگر از باورهای نادرست که ممکن است برخی معلمان آن را پذیرفته باشند این است که پرسشگری می‌تواند به وقفه در فرایند یادگیری دانش‌آموزان منجر شود؛ اما باور درست این است که پرسشگری می‌تواند فضایی را برای ترویج فرهنگ گفت‌وگو رقم بزند و یادگیری مشارکتی را شکل دهد.

استاندارد هم می‌تواند سد محکمی باشد؛ چرا که برخی معلمان ممکن است به دلیل ارزیابی‌های استاندارد و فشارهای مرتبط با آن، فقط به دنبال انجام تمرینات و تکرار درس‌ها باشند. این عوامل باعث می‌شود آن‌ها پرسشگری را یک روش آموزشی مهم ندانند. فارغ از اینکه عامل ایجاد این باورها چیست، در ادامه می‌خواهیم به تصورات نادرستی در مورد پرسشگری اشاره کنیم که برای مدت زیادی است توسعه یافته‌اند و اغلب بدون چالش مانده‌اند و تبدیل به عادت یا چارچوب‌های ذهنی برای معلمان شده‌اند. برخی از این باورها عبارت‌اند از:

۱. پرسشگری مساوی است با نداشتن پاسخ درست: بسیاری از معلمان باور دارند که یکی از عیوب پرسشگری ناتوانی برخی از دانش‌آموزان در بیان پاسخ صحیح

معلمان ممکن است فقط به دنبال تمرین و تکرار باشند و به پرسشگری به عنوان یک روش آموزشی مهم‌تر توجه نکنند. در این راستا به نگرش‌های فردی معلمان نیز می‌توان اشاره کرد. برخی معلمان ممکن است به دلیل تجربه‌های شخصی، نگرشی منفی به پرسشگری داشته باشند؛ مثلاً اگر یک معلم در گذشته با سؤالاتی روبه‌رو شده باشد که دانش‌آموزان را به دغدغه و فشار روانی بیش از حدی مبتلا کرده باشد، ممکن است این تجربه او را از استفاده از پرسشگری در کلاس درس باز دارد. حتی نگرش‌های جامعه هم بی‌تأثیر نیست. این نگرش ممکن است به دلیل فرهنگ و تربیت متمایل به احترام بیش از حد به شخصیت معلم باشد که ممکن است باور نادرستی را مرتبط با پرسشگری در کلاس درس ایجاد کند. صد البته رواج ارزیابی‌های





۶. پرسشگری مساوی است با استفاده از سؤالاتی با پاسخ‌های تخمین‌زدنی: یکی دیگر از باورهای نادرست که در این زمینه برجسته شده است، این است که در پرسشگری از سؤالاتی با پاسخ‌های تخمین‌زدنی استفاده می‌شود که خیلی مفید فایده نیست؛ اما در واقع پرسشگری به دنبال کشف حقیقت است و معلمان می‌توانند با استفاده از فنون پرسشگری حقایق را کشف کنند.

۷. پرسشگری مساوی است با سؤالات بیش‌از حد سخت: برخی معلمان ممکن است باور داشته باشند که پرسشگری به معنای پرسیدن سؤالاتی با سطح سختی بالاست و ممکن است به دانش‌آموزان آسیب برساند؛ اما در حقیقت، پرسشگری به معنای ایجاد فضایی برای تفکر و تحلیل نقادانه است و معلمان می‌توانند از سؤالاتی با سطح سختی متفاوت استفاده کنند و باعث توسعه‌ی مهارت‌های تفکری و خلاقیت دانش‌آموزان شوند.



۸. پرسشگری مساوی است با تشویق دانش‌آموزان به بیان نظرات خود: برخی معلمان شاید بر این باور باشند که پرسشگری به معنای تشویق دانش‌آموزان به بیان نظرات خود است و این باعث می‌شود معلمان از پرسش سؤالات هدفمند صرف‌نظر کنند. در حقیقت، پرسشگری به معنای تشویق دانش‌آموزان به بیان دیدگاه‌ها و تفکرات و اندیشه‌های ناب افراد است.

۹. پرسشگری و تشویق دانش‌آموزان مساوی است با یادگیری خودآموز: برخی معلمان گمان می‌کنند که پرسشگری به معنای تشویق دانش‌آموزان به یادگیری خودآموز است و چون معلمان نباید به دانش‌آموزان دستور دهند چگونه به مسائل بنگرند و به آن‌ها پاسخ دهند، آن‌ها از پرسشگری پرهیز می‌کنند؛ اما در حقیقت، پرسشگری به معنای تشویق دانش‌آموزان به پیدا کردن راه‌های متعدد برای حل مسائل است و معلمان می‌توانند

● پرسشگری اثربخش می‌تواند سرعت مناسب را برای تفکر تضمین کند.

● معلم یک تسهیل‌کننده‌ی متخصص در امر یادگیری است که فراگیرندگان را به سمت هدف آموزشی ترغیب، هدایت و سوق می‌دهد.

● پاسخ دانش‌آموزان در واقع همان بیان تفکر آن‌هاست؛ اما آن تفکرات باید، در طی پرسشگری اثربخش، درونی‌سازی شود.

● چالش‌جویی به سوالات برای همه‌ی دانش‌آموزان مطرح است، نه فقط برای دانش‌آموزان خاص.

● زمانی که دانش‌آموزان در حال تقلا برای پاسخگویی هستند به آن‌ها کمک کنید راهبردهایی را برای مواجهه با سختی پیدا کنند تا خودکارآمدی را بیاموزند.

● بر پاسخ‌ها تأکید زیادی نداشته باشید. حتی اگر دانش‌آموزان پاسخ درست می‌دهند. آن‌ها همچنان می‌توانند به چالش کشیده شوند تا فراسوی اولین پاسخ خود فکر کنند.

● اغلب بیش از یک پاسخ درست یا بیش از یک راه برای رسیدن به پاسخ وجود دارد.

تلنگری برای تفکر

در حال حاضر شما چه تعدادی از این چارچوب‌های ذهنی مطرح‌شده را دارید؟ کدام‌یک از آن‌ها به راحتی توجه شما را به عنوان چارچوب جدید و متفاوت جلب می‌کند؟ کدام‌یک از این چارچوب‌ها، اگر در حال حاضر آن را دارید، تفاوت محسوسی در یادگیری دانش‌آموزان ایجاد می‌کند؟

پی‌نوشت‌ها

1. سوکراتس، فیلسوف یونانی قرن پنجم قبل از میلاد، یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه‌ی تاریخ است. او به شیوه‌ی خود به دنبال حقیقت، عدالت و روشی برای یافتن آن‌ها بود که از روش‌های قبلی متمایز باشد. او بیشتر به صورت داستانی و با استفاده از سؤال، به دنبال پاسخ‌هایی برای پرسش‌های مهم و بنیادین بود.
2. حلقه‌ی سخنرانی نیز یک روش یادگیری است که در آن دانشجویان به همراه استاد، در یک حلقه قرار می‌گیرند و شروع به بحث و پرسش می‌کنند. در این روش، دانشجویان با استفاده از سؤالاتی که از دیگران می‌شنوند و یا پاسخ‌دادن به آن‌ها، به نتیجه‌های جدید و برتری‌هایی در یادگیری خود می‌رسند.

3. passive learning



دانش‌آموزان را راهنمایی کنند که چگونه بهترین راه‌حل‌ها را برای حل مسائل بیابند و در این فرایند، دانش‌آموزان را به یادگیری خودآموز تشویق کنند.

۱۰ پرسشگری مساوی است با طرح پرسش‌های بسته پاسخ و باز پاسخ:

زمانی که تمرکز پرسشگری بر یادگیری است چیزی به عنوان پرسش‌های بسته پاسخ یا باز پاسخ وجود ندارد؛ بلکه مسئله‌ی اصلی خود پرسش‌ها هستند.

آنچه واقعاً در پرسشگری مهم است کاری است که شما بعد از دریافت پاسخ انجام می‌دهید. این واکنش شما به آن پاسخ است که گفت‌وگویی را پایان می‌دهد یا یک فرایند یادگیری را شروع می‌کند و ادامه می‌دهد. دست‌بندی پرسش‌ها، تحت‌عنوان پرسش‌های باز پاسخ یا بسته پاسخ، معلمان را به این باور می‌رساند که پرسش‌های خاص همیشه منجر به نوع خاصی پاسخ از طرف دانش‌آموزان می‌شود و بنابراین شاید

ما را از هدف موردنظرمان از پرسشگری دور کند.

همه‌ی موارد مطرح‌شده باعث می‌شود که معلمان از پرسشگری در کلاس درس خودداری کنند و به جای آن، روش‌های دیگری را چون سخنرانی، نمایش‌نامه، ویدئوهای آموزشی و... برای آموزش انتخاب و جایگزین کنند. در حالی که باید واقف باشیم که موارد ذکرشده، تصوراتی محسوب می‌شوند که در اکثر اوقات نادرست هستند و می‌توانند به یادگیری دانش‌آموزان آسیب بزنند.

پیشنهاد می‌شود مربیان، معلمان و حتی استادان دانشگاه، برای سازماندهی این تصورات اشتباه، چارچوب‌های ذهنی حمایت‌کننده از پرسشگری اثربخش را پی‌ریزی کنند. آن‌ها باید با آگاهی کامل و نگرش اصیل به ترویج این باورهای صحیح بپردازند:

● مسئله‌ی اصلی اولین پرسشی نیست که شما مطرح می‌کنید؛ بلکه مسئله‌ی مهم نحوه‌ی واکنش شما به پاسخ دانش‌آموز است.